خبرها

پیرمردان پولدار را به دیدار دختران فراری می‌برند

شرق: پدر جوانی که با همکاری دو دخترش در بندرانزلی یک خانه فساد دایر کرده بود، در دام پلیس گرفتار شد. ماموران دایره مبارزه با مفاسد اجتماعی بندرانزلی در پی کسب گزارش‌های مردمی از فعالیت غیراخلاقی و مجرمانه این مرد و دو دخترش باخبر شدند و پس از ورود به این خانه چند نفر را دستگیر کردند. یکی از دختران این مرد که سردسته باند بود به ماموران گفت: پدرم اعتیاد شدیدی به مواد مخدر دارد. چند سال پیش مادرم بر سر بدخلقی‌های پدرم سکته کرد و مرد. از آن پس پدرم روزگار را برای من و دو خواهر دیگرم سیاه کرد. با گرفتن ۵۰۰ هزار تومان خواهر بزرگم را به عقد مردی درآورد که ۱۰ سال از خودش بزرگتر بود. بعد از ازدواج خواهر بزرگم من ماندم و خواهر کوچکم. از مدت‌ها پیش پدرم خانه‌اش را به محل فساد تبدیل کرده بود و من و خواهرم را به پسرهای دیگر اجاره می‌داد گاهی هم پسران عضو باند، دختران فراری را به خانه ما می‌آوردند و پدرم هر شب آنها را در اختیار مردان پولدار و پیر قرار می‌داد و پول کلانی می‌گرفت تا خرج اعتیادش تامین شود.

سه نفر در هر ساعت در جاده‌ها کشته می‌شوند

شرق: معاون راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی گفت: روزانه ۷۲ نفر در حوادث رانندگی جاده‌های کشور جان خود را از دست می‌دهند و این درحالی است که سرعت غیرمجاز عامل ۵۰ درصد تصادفات مرگبار است. سردار محمد رویانیان معاون راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی گفت: در هر ساعت سه نفر در تصادفات جاده‌ای کشته می‌شوند که سرعت غیرمجاز، سبقت غیرمجاز، خستگی و خواب‌آلودگی رانندگان و انحراف به چپ باعث حوادث رانندگی در جاده است. همچنین تصادفات رانندگی سالانه شش هزار میلیارد تومان هزینه به کشور تحمیل می‌کند. وی در پایان گفت: در کل می‌توان گفت که خود انسان‌ها (راننده‌ها) عامل اصلی مرگ و میر جاده‌ای هستند و اگر کمی دقت داشته باشند از بروز چنین حوادث ناگواری جلوگیری خواهد شد. در حال حاضر میزان سفرهای جاده‌ای کشور ۱۰ برابر بیشتر از ظرفیت راه‌ها است و این درحالی است که اکثر این راه‌ها نیز از استاندارد ایمنی لازم برخوردار نیستند.

فرار ۵۴ واگن باری

بی‌توجهی به وضعیت ایمنی و ترمز واگن‌های ایستاده در یکی از خطوط راه‌آهن سیرجان، سبب شد ۵۴ واگن باری خالی به علت وزش باد به حرکت دربیایند که در این میان ۱۰ واگن بر اثر سرعت زیاد از ریل خارج شدند. این حادثه ۹ صبح روز یکم خردادماه رخ داد. پلیس راه‌آهن هرمزگان گفته است این حادثه خسارت جانی نداشت و کارشناسان سرگرم تحقیق درباره این بی‌توجهی هستند. به گزارش ایسنا بی‌توجهی به قرار دادن ترمز ریل (کفشک) تاکنون چند بار باعث حادثه شده که مهمترین آن، حادثه فرار و برخورد واگن‌های بود. در این حادثه بیش از ۳۰۰ نفر از ساکنان روستاها کشته شدند.

بررسی پرونده ترور قاضی مقدس در کمیته پیگیری ترور قضات

کمیته پیگیری ترور قضات و مسئولان قضایی کشور با حضور مقامات قضایی، انتظامی و اطلاعاتی، دیروز با تشکیل جلسه‌ای، آخرین اقدامات انجام شده را درباره پرونده ترور قاضی مقدس بررسی می‌کند. حسین ذبحی مشاور قضایی دادستان کل کشور با اعلام این خبر به ایسنا گفت: بعد از این که با ترور برخی از مسئولان قضایی مواجه شدیم، دادستانی کل کشور در این ارتباط وارد عمل شد و براساس دستور دادستانی، کمیته پیگیری ترور قضات و مسئولان قضایی با حضور نیروهای قضایی، انتظامی و اطلاعاتی ذی‌مدخل در این رابطه تشکیل شد. وی افزود: این کمیته تاکنون سه جلسه برگزار کرده و جلسه اخیر با درخواست بعضی از اعضا و به دنبال دستگیری قاتل شهید مقدس و بررسی آخرین اقدامات انجام شده در این‌باره و ادامه سیاستگزاری‌ها در راستای پیشگیری و کنترل اقدامات این‌چنینی تشکیل می‌شود. مشاور دادستان کل کشور هدف از تشکیل این کمیته را پیشگیری و کنترل اقدامات این‌چنینی علیه قضات و مسئولان قضایی خواند و گفت: هدف از تشکیل این کمیته این است که انشاء الله در آینده با این مسائل مواجه نباشیم با این وجود اگر با ارتکاب چنین مسائلی مواجه شدیم تشکیل این کمیته و سیاست‌های اتخاذ شده در آن موجب می‌شود تا اقدامات دستگاه‌های مختلف ساماندهی شود و مسائل زودتر به نتیجه برسد.

زن هندی را در کنار مرده شوهرش سوزاندند

یک زن هندی که برای سوءاستفاده از بیمه عمر شوهرش او را به قتل رسانده بود خودش هم در مراسم مرده‌سوزان در آتش سوزانده شد. به گزارش پلیس این زن هندی که ساکن روستای «فاتح‌پور» بود هفته گذشته در مراسم مرده‌سوزان شوهرش، توسط اهالی روستا به آتش افکنده شد. این زن برای بالا کشیدن حق بیمه شوهرش موجب قتل وی شد و هنگامی که در مراسم مرده‌سوزان او شرکت کرده بود، روستاییان او را هم در میان آتش انداختند. به گفته پلیس اهالی روستا که از موضوع باخبر شده و پی به نیت شوم زن برده بودند، حین برگزاری مراسم او را به زور به آتش افکندند و بدین‌ترتیب او را زنده‌زنده در آتش سوزاندند. در همین حال پلیس که تصور می‌کرد این زن اقدام به خودکشی کرده است در حال پیگیری پرونده بود که پی به اصل ماجرا برد. پلیس در حال حاضر با دستگیری یک مامور بیمه که با تبانی با این زن پول‌های قربانی را بالا کشیده بودند، سرگرم پیگیری این واقعه است.

زنی که راز یک جنایت را می‌داند

گروه اجتماعی: قضات دادگاه کیفری تهران در یک پرونده جنایی با زنی روبه‌رو شده‌اند که راز مرگ دو مرد جوان را می‌داند اما تاکنون حاضر به افشای آن نشده است. یکی از این دو جوان در جنگل‌های شمال به قتل رسیده که جسدش را درون کانال آبی در یکی از جاده‌های شمالی پیدا کرده‌اند و دومین مرد جوان هم که شوهر همین زن بود، به عنوان سکته مغزی به خاک سپرده شده است و اکنون پزشکان جنایی ماموریت یافته‌اند با معاینه جسد علت واقعی مرگ او را روشن کنند. زن جوان که بیست و هشت ساله است و نرگس نام دارد در یک پرونده جنایی متهم شده با همدستی شوهرش قربانی اول را به جنگل‌های شمال کشانده و به قتل رسانده‌اند. پس از مدت کوتاهی شوهر نرگس هم به‌طور ابهام‌آمیزی جان سپرده و این زن تاکنون عنوان کرده که همسرش دچار سکته قلبی شده اما قضات شعبه ۷۱ کیفری تهران با توجه به گفته‌های متناقض نرگس در بازجویی‌ها احتمال می‌دهند این زن پس از کشتن پسر جوان تنها شاهد این جنایت را که شوهرش بوده، به قتل رسانده باشد. در شهریورماه سال ۸۳، چند روز بیشتر از قتل پسر جوان نگذشته بود که شوهر نرگس به‌طور ناگهانی جان سپرد و این زن از خانه‌شان در هشتگرد کرج با پلیس تماس گرفت و خبر مرگ همسرش را اطلاع داد. ماموران پس از حضور در این خانه به بازجویی از نرگس پرداختند و او گفت: «یک ساعت پیش شوهرم دچار حمله قلبی شد. خواستم آمبولانس خبر کنم که چند دقیقه بعد فوت کرد.» دو روز از مرگ علی (شوهر نرگس) گذشته بود که جنازه پسر جوان به‌نام مجید را درون کانال آب در جاده شمال پیدا کردند و آن را از آب بیرون کشیدند. پزشکان قانونی نظر دادند که این پسر جوان را با چند ضربه چاقو به قتل رسانده‌اند و سپس در کانال آب انداخته‌اند. پدر حمید در بازجویی به پلیس گفت: «پسرم چند روز پیش برای رفتن به خانه دایی‌اش به‌نام (علی) که در هشتگرد زندگی می‌کند از منزلمان خارج شد و از آن روز دیگر خبری از حمید نداشتیم تا اینکه خبر دادند جنازه‌اش را در کانال آب پیدا کرده‌اند.» کارآگاهان پلیس جنایی کرج وقتی نشانی محل سکونت دایی حمید را گرفتند متوجه شدند این مرد همان علی (شوهر نرگس) است که دو روز پیش به خاک سپرده شده است. کارآگاهان که با یک معمای جنایی روبه‌رو شده بودند نرگس را بازداشت کردند و به بازجویی از وی پرداختند. این زن در مراحل اول بازجویی سرسختانه از سرنوشت خواهرزاده شوهرش اظهار بی‌اطلاعی کرد اما ماموران آگاهی که متوجه حرف‌های ضد و نقیض او شده بودند به بازجویی ادامه دادند تا اینکه وی ناچار به اعتراف شد و درباره قتل پسر جوان گفت: مدتی پیش، شوهرم از رابطه پنهانی من و خواهرزاده‌اش (حمید) باخبر شد و تصمیم گرفت او را سربه‌نیست کند. علی اول به من پیشنهاد کرد که خواهرزاده‌اش را به بهانه‌ای به خانه بکشانم و او را بکشم، ولی من گفتم جرأت این کار را ندارم. شوهرم وقتی مخالفتم را دید، گفت: «حمید را به سفر شمال می‌بریم و در آنجا نقشه قتلش را اجرا می‌کنیم.» یک روز حمید به خانه ما در هشتگرد آمد و با هم به طرف شمال راه افتادیم، در نیمه راه بودیم که شوهرم ماشین را کنار جاده نگه داشت و از خواهرزاده‌اش خواست که با هم برای گردش وارد جنگل شوند. چند دقیقه بعد شوهرم را دیدم که از جنگل بیرون آمد. پرسیدم: پس حمید کو؟ جواب داد: «توی جنگل حمید را کشتم. برمی‌گردیم به منزل.» به این ترتیب از نیمه راه به خانه‌مان در هشتگرد برگشتیم. از همان روز شوهرم پریشان‌حال و آشفته بود و کابوس می‌دید، دو روز از بازگشت‌مان گذشته بود که ناگهان گرفتار حمله قلبی شد و مرد...

■ در دادگاه کیفری تهران

بازپرس دادسرای هشتگرد پس از تکمیل تحقیقات، برای نرگس به‌عنوان معاونت در قتل خواهرزاده شوهرش کیفرخواست صادر کرد و پرونده این جنایت برای محاکمه نرگس به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری تهران ارجاع شد. قضات دادگاه کیفری ضمن مطالعه پرونده متوجه نکته‌های مبهمی شدند که در مراحل بازجویی و تحقیق به آنها توجه نشده و پرسش‌هایی بی‌جواب مانده بود. یکی از نکته‌های تاریک جنایت این بود که نرگس در بازجویی گفته شوهرش حمید را در جنگل کشته است ولی گزارش پلیس نشان می‌دهد جسد این جوان را در یک کانال آب در کنار جاده پیدا کرده‌اند. ضمناً زن جوان مدعی شد که همسرش ناگهان دچار حمله قلبی شده و چند لحظه بعد فوت شده است. در حالی که این مرد سابقه بیماری قلبی نداشت و احتمال دارد که عامل اصلی قتل پسر جوان، همین نرگس بوده و برای گمراه کردن پلیس، شوهرش را قاتل معرفی کرده است. به این ترتیب احتمال دارد نرگس در هر دو قتل دست داشته باشد. رئیس دادگاه با توجه به این نکته‌های مبهم دستور داد پرونده به دادسرای هشتگرد برگردانده شود و کارآگاهان جنایی تحقیقات تازه‌ای آغاز کنند. قاضی عزیزمحمدی همچنین از پزشکان قانونی خواست درباره مرگ شوهر نرگس هم بررسی‌هایی انجام دهند تا روشن شود چگونه و به چه علتی جان سپرده است.

دزدان، صاحب‌خانه را با شله‌زرد بیهوش کردند

شرق: دو برادر با استفاده از شله‌زرد مسموم که به‌عنوان نذری به همسایه خود خورانده بودند، باعث بیهوشی وی شدند و توانستند مقدار زیادی پول و اشیای قیمتی را از داخل این خانه بدزدند. این دو برادر که دو روز پیش توسط پلیس دستگیر شدند به جرم خود اعتراف کردند. مرد جوانی که با خوردن شله‌زرد مسموم شده بود طی شکایتی به ماموران گفت: چند روز پیش پسر همسایه‌ام به جلوی در آپارتمان ما آمد و مقداری شله‌زرد نذری به من داد. وی گفت که مادرش نذر داشته و این شله‌زرد را پخته است. من آن موقع تنها در خانه بودم. بعد از خوردن شله‌زرد بیهوش شدم و چیزی نفهمیدم. وقتی به خود آمدم متوجه شدم که پول و مقداری از وسایل باارزش خانه را به سرقت برده‌اند. این مرد شاکی گفت: این پسر همسایه‌ام اعتیاد شدیدی به مواد مخدر دارد و چند بار به اتهام سرقت و اعتیاد زندان را تجربه کرده است. به خاطر همین به پلیس مراجعه کردم، چون مطمئن هستم این پسر ۲۲ساله همسایه سارق خانه ما است... پس از طرح این شکایت، پسر معتاد دستگیر شد و در بازجویی به سرقت از خانه همسایه‌شان با همدستی برادرش اعتراف کرد. وی گفت: از آنجا که می‌دانستم مرد همسایه در خانه تنها است، با همدستی برادرم نقشه سرقت از خانه‌اش را کشیدیم. برادرم مقداری سم در شله‌زرد ریخت و من هنگام ظهر به جلوی در آپارتمان همسایه رفتم و ظرف شله‌زرد را به او دادم، بعد از یک ساعت هر چه زنگ در خانه‌شان را زدیم کسی جواب نداد و مطمئن شدیم که مرد جوان شله‌زرد را خورده و بیهوش شده است. پس با شکستن قفل وارد خانه شدیم و مقدار زیادی پول، طلا و موبایل مرد همسایه را دزدیدیم. بعد از این اعتراف، برادر این جوان هم بازداشت شد و هر دو با صدور قرار قانونی روانه زندان شدند.

شبکه دزدان مسلح بانک‌ها در تهران متلاشی شد

شرق: ۱۱ عضو یک شبکه سرقت مسلحانه از بانک‌ها، با انجام عملیات پلیسی، توسط ماموران اداره آگاهی تهران دستگیر شدند. اولین سرقت مسلحانه این شبکه ظهر روز ۲۶ آذرماه پارسال انجام شد و دو تن از دزدان که مسلح به کلت کمری بودند وارد بانک تجارت شعبه شیشه مینا در جاده مخصوص کرج شدند. آنان با ورود به بانک و تهدید کارکنان یک سرباز وظیفه که نگهبان بانک بود با آنها به مقابله پرداخت که سارقان او را هدف چهارگلوله قرار دادند و مجروح کردند. دزدان پس از ربودن مقداری پول قصد فرار داشتند که سرباز وظیفه با وجود زخمی بودن، سد راه‌شان شد ولی یکی از دزدان با شلیک دو گلوله دیگر بر پیکر مجروح این نگهبان شجاع، وی را به شهادت رساند و سپس هر دو با کمک همدستان خود که در بیرون از بانک انتظارشان را

می‌کشیدند، از محل فرار کردند. بررسی‌های ماموران پلیس آگاهی نشان داد، سارقان پس از سرقت سوار یک خودروی پژو شده و فرار کرده‌اند. ضمناً روشن شد که آنان از قبل موقعیت بانک را شناسایی کرده‌اند و با اطمینان از وجود پول در شعبه وارد بانک شده‌اند. دو سارق مسلحی که وارد بانک شده بودند، برای آنکه شناسایی نشوند از نقاب استفاده کرده بودند. مشخصات خودروی پژو در اختیار ماموران گشت پلیس قرار گرفت و کارآگاهان دریافتند که دزدان بانک قبل از انجام سرقت این خودرو را با تهدید اسلحه از چنگ راننده‌اش درآورده‌اند و در جریان فرار آن را در محل خلوتی رها کرده‌اند. کارآگاهان در ادامه تحقیق متوجه شدند، در سال ۸۳ نیز با همین شیوه به بانک کشاورزی شعبه شادآباد تهران دستبرد زده‌اند و با تهدید اسلحه ۵ میلیون تومان تراول چک و پول نقد از این بانک به سرقت برده‌اند. کارآگاهان با به دست آوردن این سرنخ، شماره سریال تراول‌های ربوده شده از دو بانک را به همه شعبه‌های بانکی کشور اعلام کردند تا هر گاه کسی برای نقد کردن این چک‌های بانکی مراجعه کرد، فوراً با پلیس تماس بگیرند. چند روز پیش بود که از یک شعبه بانکی در نهاوند در تماس با پلیس اعلام کردند، مردی برای نقد کردن چند فقره از تراول چک‌های به سرقت رفته به بانک مراجعه کرده است. چند دقیقه پس از این تماس شعبه بانک به محاصره پلیس درآمد و مرد مورد نظر دستگیر شد. این مرد در بازجویی اعتراف کرد که تراول چک‌ها را از پسرخاله‌اش به نام مسعود گرفته است. کارآگاهان در بررسی سابقه مسعود متوجه شدند وی از سارقان سابقه‌داری است که مدتی را به جرم سرقت در زندان گذرانده است. در ادامه تحقیق روشن شد که وی پس از آزادی از زندان با تشکیل شبکه‌ای، سرقت مسلحانه از بانک‌های تهران را آغاز کرده و پس از سرقت از بانک کشاورزی در شادآباد، نقشه سرقت از بانک تجارت در جاده مخصوص را طراحی و اجرا کرده است. با شناسایی مخفیگاه مسعود در شهریار ماموران پلیس آگاهی روز دوشنبه (اول خرداد) در یک عملیات پلیسی غافلگیرانه او را در خانه‌اش دستگیر کردند. مسعود بعد از دستگیری در اداره آگاهی شهریار به سه فقره سرقت مسلحانه از بانک‌ها در تهران و شهریار با همدستی ۹ مرد و همکاری همسرش اعتراف کرد و گفت: بعد از شناسایی هر بانک، یک اتومبیل می‌دزدیدیم و پس از انجام سرقت، اتومبیل مسروقه را رها می‌کردیم. سر دسته باند سارقان مسلح درباره سرقت از بانک تجارت که در جریان آن یک سرباز وظیفه به شهادت رسید گفت: روز حادثه دو تن از اعضای باند با زدن نقاب به چهره خود وارد بانک شدند. یکی از اعضای باند نیز مقابل در بانک ایستاد تا وضعیت بیرون از بانک را تحت نظر داشته باشد. پس از سرقت پول‌ها و کشتن نگهبان بانک، سلاح کلاشینکف او را برداشتیم و فرار کردیم. وی در خصوص نقش همسرش در این سرقت‌ها گفت: پس از دزدیدن پول از بانک‌ها زنم وظیفه خرج کردن و تقسیم پول‌ها را بین اعضای باند داشت. با اعتراف مسعود سایر اعضای باند هم دستگیر شدند و هم‌اکنون بازجویی از آنان برای پی بردن به سرقت‌های احتمالی دیگر در دایره یکم پلیس آگاهی مرکز ادامه دارد.

فرمانده ناجا: مطلب روزنامه ایران را نمی‌توان به پای غفلت گذاشت

گروه اجتماعی: «تجمعات اخیر تبریز به دنبال کاریکاتور توهین‌آمیز روزنامه ایران اتفاق افتاد که یک نوع غرض و مرض در آن موج می‌زند و نمی‌توان آن را به پای غفلت گذاشت.» فرمانده نیروی انتظامی روز گذشته در حاشیه همایش مشترک پلیس و نیروی مقاومت بسیج استان تهران با بیان این ادعا گفت: «روز سه‌شنبه در شورای عالی امنیت ملی تصمیمات مناسبی در مورد روزنامه ایران گرفته شد.» سردار اسماعیل احمدی‌مقدم افزود: بعد از این ماجرا دستورات لازم از جمله بازداشت اشخاص مرتبط با آن از سوی قوه قضائیه صادر شد. وی در مورد تجمعات اخیر تبریز گفت: بعد از این ماجرا افراد فرصت‌طلبی که قصد موج‌سواری داشتند با انجام تجمعات غیرقانونی شهر را شلوغ کردند که این حرکت آنها موجب مجروح شدن تعدادی از مردم و چند مامور نیروی انتظامی شد. احمدی‌مقدم در پاسخ به سئوال خبرنگاری که پرسید: «در این تجمعات کسی هم کشته شد؟» گفت: خوشبختانه هیچ یک از هموطنانمان کشته نشدند. در هر یک از این تجمعات حدود ۶۰ نفر دستگیر شدند که برخی از آنان آزاد شده و عده‌ای هنوز در بازداشت به سر می‌برند. فرمانده ناجا درباره حوادث اخیر شرق کشور گفت: به استثنای دو حادثه تاسوکی و بم مجموع شاخص‌های امنیت در شرق کشور رو به بهبود است و تلفات نیروهای خودی رو به کاهش است. در آمار آدم‌ربایی و جرایم هم کاهش داشتیم و این دو حادثه برای تحت‌الشعاع قرار دادن پیشرفت‌هایی که در شرق کشور داشتیم صورت گرفته است. وی افزود: در اقداماتی که تاکنون درخصوص این دو حادثه صورت گرفته حدود هفت نفر از اشرار کشته شده‌اند و ۱۲ نفر از آنان نیز طی روزهای گذشته دستگیر شدند و تلاش برای دستگیری دیگر عاملان این حوادث ادامه دارد. وی در ادامه به جرایم افاغنه اشاره کرد و گفت: نرخ جرایم افاغنه چندان بالا نیست اما انعکاس آن وسیع است. بیشتر جرایم آنها علیه خودشان و در جامعه افاغنه اتفاق می‌افتد و به غیر از ورود غیرمجاز در سایر جرایم آمار بالایی بین افغانی‌ها وجود ندارد. فرمانده ناجا با بیان اینکه در حال حاضر شرایط افغانستان جهت بازگشت اتباع این کشور از ایران فراهم شده است از صدور ۵۰۰ هزار ویزا برای ورود اتباع افغانی به ایران خبر داد.

خبر روز

دوسالگی انجمن دفاع از حقوق زندانیان

پدرام الوندی: سومین مجمع عمومی انجمن دفاع از حقوق زندانیان با حضور هیات امنای پرشمار این تشکل غیردولتی برگزار شد. مرضیه مرتاضی جلسه را شروع کرد و مهندس توسلی، احمد منتظری، علی حکمت و احمد زیدآبادی در جای هیات رئیسه نشستند. در این نشست ابتدا عمادالدین باقی بنیانگذار این تشکل و رئیس هیات مدیره دوره‌های پیشین برای ارائه گزارش عملکرد و تراز مالی سالیانه اعضای هیات امنا را به کتابچه کوچکی که مطابق روال سال پیش انجمن تهیه شده بود ارجاع داد. «کارنامه انجمن دفاع از حقوق زندانیان در سال ۱۳۸۴» عنوان گزارش هیات مدیره به مجمع عمومی بود که در میان اعضا توزیع شد. باقی خطاب به حاضران گفت که تراز سالیانه و ریز عملکرد سال گذشته در این کارنامه منعکس شده است. باقی با اشاره به این گزارش کمیته حقوقی انجمن را پرکارترین بخش انجمن عنوان کرد. تعداد پرونده‌های بررسی شده در این کمیته از ۱۵ پرونده در سال ۸۳ به ۳۲ پرونده در سال جاری رسیده است. رئیس انجمن دفاع تصریح کرد که این تعداد شامل موارد مختلفی از زندانیان سیاسی و غیر سیاسی بوده و هدف انجمن پیش از هر چیز آگاه کردن زندانیان از حقوق آنها است: «البته هیچ بقالی نمی‌گوید ماست من ترش است اما مجموع کارهایی که در یک سال گذشته شده است سنگین بوده است. زیرا جنس کار انجمن متفاوت از فعالیت NGO‌های دیگر است و هر روز با مراجعه و درخواست کمک از سوی زندانیانی روبه‌رو هستیم که دستشان از همه جا کوتاه شده است.» عمادالدین باقی دیگر فعالیت مهم کمیته حقوقی انجمن دفاع را در مشاوره‌های حقوقی صورت گرفته توسط این کمیته دانست: «فعالیت دیگر آگهی‌هایی بود که در چند نوبت در روزنامه‌ها درج شد و دوستان حقوقدان ما در ساعاتی مشخص حتی در روزهای جمعه به صورت تلفنی از تمام کشور به سئوالات حقوقی تماس گیرندگان پاسخ می‌گفتند و این مشاوره‌ها در مواردی سبب آزادی چند زندانی شد.» «گزارش وضعیت زندان‌های کشور» دیگر فعالیتی بود که مورد اشاره باقی قرار گرفت: «این گزارش توسط کمیته رفاهی، بهداشتی، درمانی انجمن و با مشارکت اعضای هیات مدیره در ۲۲ صفحه تهیه شد و شامل گزارش وضعیت زندان‌ها در موارد مختلف بهداشت، درمان، تغذیه، ملاقات و بدرفتاری با زندانیان است. این گزارش قرار بود در اردیبهشت ماه منتشر شود اما به دو دلیل انتشار آن فعلاً به تعویق افتاده است؛ اول اینکه ما بر آن بودیم این گزارش را به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر کنیم و این کمی انتشار را به تاخیر انداخت و دوم اینکه به زودی همایشی با عنوان دفاع، وکیل و تحقیقات مقدماتی در دانشگاه شهید بهشتی برگزار می‌شود.» باقی نفس تهیه چنین گزارشی توسط یک نهاد غیردولتی را اولین تجربه از این دست در کشور دانست و زمان انتشار آن را پس از همایش مذکور اعلام کرد. پس از باقی، بازرس مجمع عمومی پشت تریبون ایستاد. رضا احمدی گفت هیات مدیره انجمن در هیچ موردی از اساسنامه تخلف نداشته است اما در عین حال به یک مورد نیز اشاره کرد که باید مورد توجه هیات مدیره جدید قرار گیرد. وی تنها مشکل موجود را اتکای بیش از حد هیات مدیره بر روی رئیس انجمن دانست: «بسیاری از کارهای انجمن بر روی دوش شخص آقای باقی بود و ادامه این روند سبب به بن بست رسیدن انجمن می‌شود.» فریده غیرت، نایب رئیس انجمن با اشاره به گزارش بازرس انجمن، قرار گرفتن بار فعالیت‌های اجرایی انجمن بر دوش عمادالدین باقی را به دلیل «عاشق‌تر» بودن وی عنوان کرد: «آقای باقی از همه ما در این مورد عاشق‌تر بوده‌اند و فعالیت بیشتری در این مورد صورت داده‌اند.» غیرت تاکید کرد باقی شالوده انجمن را زمانی که در زندان بوده گذاشته است و بالطبع دلبستگی بیشتری به ادامه حیات و فعالیت این مجموعه دارد. نایب رئیس انجمن در ادامه با یادآوری اهداف طرح شده در اساسنامه انجمن که فعالیت‌های این تشکل را بر پایه فعالیت‌های حقوقی، رفاهی، فرهنگی و خدمات پژوهشی برای زندانیان و در صورت امکان خانواده‌های زندانیان تعریف کرده است به این نکته اشاره کرد که در دورانی که به‌عنوان یکی از اعضای کمیته حقوقی در منزل خود منتظر تماس زندانیان و خانواده‌های آنان برای مشاوره تلفنی بوده است بارها با تماس افرادی روبه‌رو شده است که زندانی نبوده‌اند اما نیاز به مشاوره حقوقی داشته‌اند. غیرت با اشاره به اعتبار و شهرت انجمن در سطح دانشکده‌های حقوقی و در میان مردم مشکل دیگر انجمن را که باید برای آن تدابیری اندیشیده شود مشکل پشتیبانی مالی این تشکل دانست: «هیچ نوع بودجه‌ای به جز حق عضویت هیات امنا و برخی تبرعات و کمک‌های محدود افراد خیر وجود ندارد.» وی خطاب به هیات امنا گفت که پیشنهاد کمک‌هایی از سوی سازمان ملل و نهادهای خارجی صورت گرفته که با توجه به تلاش انجمن برای مستقل بودن منابع مالی، از سوی هیات مدیره این پیشنهادها رد شده است. غیرت بودجه و مکان انجمن را مسائل مهمی دانست که باید به آنها توجه شود. سخنان غیرت با اظهارنظر اعضای هیات امنا روبه‌رو شد و در نهایت پیشنهاد شد که مسئله پشتیبانی مالی و دفتر انجمن در مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای بررسی شود و در مورد آن تصمیم‌گیری شود. باقی در بخشی از سخنانش در این نشست گفته درست است که من وقت وسیعی در دو، سه سال گذشته صرف کرده‌ام اما بی‌انصافی است که بگوییم دیگران کار نکرده‌اند. تمام اعضای هیات مدیره به صورت جدی کار کرده‌اند. خانم غیرت علاوه بر هیات مدیره در کمیته حقوقی چند پرونده را بر عهده گرفته‌اند. آقای نیکبخت ۱۳-۱۰ پرونده را در تهران، کردستان و خوزستان برعهده داشتند و آقای فقیهی به اردبیل و مراغه و کرج رفته‌اند تا از زندانیانی دفاع کنند. آقای خدابخش علاوه بر حضور در جلسات، کمک مادی کرده است و سایر اعضای کمیته حقوقی و سایر کمیته‌ها که گزارش کارشان در کارنامه هست فعالیت‌های درخور توجهی داشته‌اند. باقی همچنین در یادداشتی به توسلی از وی خواست از مهدی غنی به‌خاطر راه‌اندازی روابط عمومی و تولید خبرنامه هفتگی تشکر شود. نکته مهم در مجمع این بود که با وجود حضور عده‌ای از مردان سیاست هیچ حال و هوا و بحثی از سیاست نبود. گویی همانطور که مسئولین انجمن بارها گفته‌اند این انجمن نشانگر این است که افراد می‌توانند غیر از حیثیت سیاسی خود، حیثیت دیگری داشته باشند و فارغ از دیدگاه و تعلقات سیاسی خود به کار اجتماعی، مدنی و حقوق بشری بپردازند. پس از این مباحث انتخابات هیات مدیره جدید برگزار شد و هیات امنا به بحث در مورد موارد اصلاحی اساسنامه پرداختند. در دقایق پایانی مجمع نتایج شمارش آرا اعلام شد. از ۳۶ رای شمارش شده عمادالدین باقی با ۳۵ رای، فریده غیرت با ۳۰ رای، مرضیه مرتاضی با ۲۷ رای، صالح نیکبخت با ۲۰ رای، و شریف‌زاده با ۱۶ رای به‌عنوان اعضای اصلی و آقایان فقیهی و غلامعلی الوندی به‌عنوان اعضای علی البدل برگزیده شدند. همچنین مهدی غنی عضو هیات مدیره در دوره قبل عنوان بازرس انجمن انتخاب شد.

۲۲۰۵۳۳۷۲ — مردمک

تاوان یک اشتباه

اوایل سال ۱۳۸۴ برای من گذرنامه‌ای صادر شد که تاریخ تولدم را اشتباه ثبت کرده بود. همان موقع به اداره گذرنامه شهرستان مراجعه کردم گفتند باید به تهران بروم. مسیر ۱۵۰۰ کیلومتری از جنوب به تهران را طی کردم و به اداره گذرنامه تهران آمدم. در تهران گفتند باید برای ادامه کار مجدداً به شهرستان و مرکز استان بروی، حال بعد از این همه اداره گذرنامه شهرستان می‌گوید باید ۳۶ هزارتومان بابت صدور مجدد گذرنامه بپردازم. آیا به نظر شما تاوان اشتباه کارکنان و کاربران اداره گذرنامه را باید مردم بپردازند؟

خودداری از استخدام

تعدادی از قبول‌شدگان امتحان ورودی ۸۳ قوه قضائیه هستیم با توجه به گفته دادستان تهران که هفته گذشته اعلام کردند تعداد ۵۰۰ نفر کمبود نیرو داریم چرا از استخدام ما که آزمون هم دادیم و گزینش هم شده‌ایم خودداری می‌کنند.

سپنتا پدر سینمای ایران

راجع به عبدالحسین سپنتا و دکتر اسماعیل کوشان که کدام یک پدر سینمای ایران محسوب می‌شوند خواستم بگویم دکتر کوشان از تحصیلکردگان آلمان بود، در ترکیه شروع به دوبله فیلم کرد و اولین فیلم فارسی را بعد از شهریور ۲۰ ساخت و زحمات زیادی کشید. بسیار علاقه به سینما داشت منتها در مسائل سینما بیشتر تولید و فروش زیاد برایش مهم بود ولی سپنتا یک ایرانی بسیار هوشمند و باهنر بود که فیلم‌های ارزشمند زیادی ساخت. چون در زمان رضاشاه در ایران نمی‌توانست فعالیت کند در هند فیلم ساخت که اولین فیلمش جعفر و گلنار بود که اثری ماندگار است. و چون از نظر زمانی ایشان زودتر از آقای کوشان شروع به ساختن فیلم کردند طبعاً باید پدر سینمای ایران معرفی شوند آن هم فیلم‌های هنری و جدی.

تشکر از ایجاد طرح جمع‌آوری مکانیزه زباله

می‌خواستم از شهردار تهران به خاطر راه‌اندازی طرح جمع‌آوری مکانیزه زباله تشکر کنم. این طرح از دپو شدن زباله‌ها جلوی منازل و مخدوش شدن چهره شهر جلوگیری می‌کند مضاف بر اینکه دست مافیای زباله را هم کوتاه می‌کند. اما خواستم دو نکته را یادآوری کنم؛ اول اینکه برای بردن زباله‌ها باید راه زیادی را طی کنیم تا به این سطل‌ها برسیم که بهتر است برای کوچه‌های فرعی و بزرگ چند سطل زباله قرار دهند. دوم اینکه کارگران زحمتکش شهرداری پس از تخلیه سطل‌ها دوباره آن را به حالت اول برگردانند تا وارونه باقی نماند. به هر حال هر طرحی در ابتدا مشکلاتی دارد که امیدوارم آن نیز هر چه زودتر برطرف شود.

مشکل اجاره‌خانه‌ها

حقوق شوهر من ۳۰ هزار تومان زیاد شده اما اجاره‌خانه ما ۶۰ هزار تومان گران شده است. گرانی اجاره‌خانه درکنار سایر گرانی‌ها زندگی ما مستاجرها را بسیار سخت و طاقت‌فرسا کرده. بیشتر مستاجرین که از طبقات متوسط و متوسط به پایین جامعه هستند هر سال باید کرایه‌هایی که به صورت افسارگسیخته افزایش می‌یابد را بپردازند، هیچ امیدی هم به پس‌انداز و روزی صاحبخانه شدن ندارند. به نظر من باید همه بانک‌ها و مسئولین بسیج شوند و این مشکل خانمان‌برانداز را از بین ببرند هر چند فکر کنم هیچ مسئولی مشکل اجاره‌نشینی ندارد تا بتواند این مسئله را درک کند.

ویژه‌نامه‌ها تخصصی است

ضمن تشکر از زحمات شما برای تولید چنین محصول فرهنگی، در رابطه با ویژه‌نامه‌هایی که چند روزی است همراه با روزنامه شرق منتشر می‌شود خواستم بگویم این ویژه‌نامه‌ها بسیار تخصصی است (ویژه ۲ خرداد) و خوانندگان آن نیز عده محدودی هستند. شایسته نیست روزنامه شرق با این همه تیراژ و مخاطب ویژه‌نامه‌هایی را منتشر کند که مخاطبینش محدود و کم باشد لااقل می‌توانستید مثلاً مطالبی را که در ویژه فیزیک منتشر کردید ساده‌تر بنویسید تا فهم آن برای عده بیشتری امکان‌پذیر باشد.

محاسبه درصدی حقوق

مدیرعامل شرکت... حقوق کارگران را به صورت درصدی محاسبه می‌کند یعنی کارگر هر درصدی فروش داشت همان‌اندازه حقوق دریافت می‌کند در حالی که در سال‌های گذشته به این صورت نبود و در کنار حقوق و مزایا به کارگران درصدی نیز از فروش تعلق می‌گرفت. در حقیقت با این نوع محاسبه کردن حقوق‌مان در سال گذشته با جمع مزایا و... به ۳۵۰ هزار تومان می‌رسید ولی امسال به‌رغم افزایش حقوق با ۱۲ سال سابقه کار ۲۰۰ هزار تومان نیز نمی‌گیریم.

بانک پولدارها

روز گذشته همراه خانمی که در منزل ما کار می‌کند به بانک... رفتم تا شاید با ضمانت خودم بتوانم برایش وامی بگیرم تا خانه‌دار و لااقل یک